

تأثیرات منطقه‌ای ساختار ژئوپولیتیک عراق با تأکید بر ایران

رضا قاسمی^۱

دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران

عبدالرضا فرجی راد

دانشیار جغرافیای سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران

عزت اله عزتی

دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۲/۰۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۲۵

چکیده

ژئوپولیتیک علم مطالعه روابط قدرت‌هاست و هنگامی یک بحث به حقیقت بحث ژئوپولیتیک است که چهار رکن تکمیل کننده آن (رقابت، قدرت، سلطه، زمین) به صورت کاملاً تعریف شده در آن حضور داشته باشند. عراق قلب منطقه عربی، آسیایی به شمار می‌رود و از نظر اجتماعی دارای بافت موزائیکی و متشکل از گروه‌های قومی - فرقه‌ای متعدد است به عبارتی می‌توان این کشور را مینیاتوری از خاورمیانه تلقی کرد. ماهیت سه‌گانه جمعیتی و سیاسی کشور عراق، همواره زمینه‌های بالقوه تنش و جدایی را در بردارد از اینرو حوزه ژئوپولیتیک عراق دارای نیروهای همگرا و واگرا در درون خود می‌باشد که تحت شرایط خاص عمل نموده و دائم با یکدیگر در حال رقابت هستند. عراق واجد تحولاتی است که تغییر در ساختار قدرت و هویت آن باعث دگرگونی‌هایی در ژئوپولیتیک و رویکردهای بازیگران منطقه‌ای شده است. گروه‌های قومی و مذهبی، هیدروپولیتیک و کیفیت دسترسی در خلیج فارس و ... که در آمایش و روند تحولات عراق باعث اتخاذ استراتژی‌های سیاسی امنیتی ویژه ایران در قبال این واقعیات شده است. پژوهش ذیل با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی فضای درونی، تاریخی و ژئوپولیتیک این سرزمین با یک سری الزاماتی فضایی امنیتی - سیاسی می‌پردازد. لذا ایران نیازمند تعریف استراتژی‌های سیاسی - امنیتی خاص خود با توجه به فضای جدید بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی عراق است.

واژگان کلیدی: ژئوپولیتیک، تأثیرات منطقه‌ای، رقابت، عراق، ساختار ژئوپولیتیک، ایران

مقدمه

موقعیت ژئوپولیتیک عراق همواره باعث شده است که کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای چشم طمع به این کشور داشته باشند و طرح تجزیه عراق به یکی از طرح‌های کلان آنها تبدیل شود. عراق قلب منطقه عربی، آسیایی به شمار می‌رود و کارشناسان سیاسی ایالات متحده سितره بر عراق را در راستای در اختیار گرفتن منابع نفتی و خطوط مواصلاتی راهبردی این کشور در برنامه خود قرار داده‌اند. عراق کشوری است با قومیت‌های گوناگون به نحوی که ۷۵ تا ۸۰ درصد ساکنان آن را اعراب ۱۵ تا ۲۰ درصد کردها و ۵ تا ۱۰ درصد بقیه را ترکمنها و آشوریان تشکیل می‌دهند. کردها اکثریت بافت اقلیم کردستان را تشکیل می‌دهند که در نواحی شمال و شمال شرقی عراق زندگی می‌کنند و از نظر فرهنگی و زبانی با اعراب متفاوتند و ترکمانان دومین گروه جمعیتی در این منطقه هستند. بخش بزرگی از جمعیت عراق را اعراب تشکیل می‌دهند که در بخش وسیعی از مرکز، غرب و جنوب عراق ساکن هستند. دین اصلی این کشور اسلام است و حدود ۹۷ درصد جمعیت این کشور را مسلمانان تشکیل می‌دهند که از این تعداد ۶۰ تا ۶۵ درصد شیعیان و بین ۳۰ تا ۴۰ درصد را اهل تسنن تشکیل می‌دهند. بافت اجتماعی عراق عمدتاً بافتی عشایری است و عشیره و ایل و طایفه و قبیله نقش عمده‌ای در زندگی سیاسی اجتماعی مردم ایفا می‌کنند این پدیده هم در میان اعراب و هم در میان کردهای عراق مشاهده می‌شود. این تنوع قومی مذهبی به نوعی عراق را دچار تعارضات سرزمینی، قومی- مذهبی کرده است. که تاثیرات داخلی و منطقه‌ای و حتی بین المللی دارد ثبات و آرامش در صحنه داخلی عراق بر جهت گیری‌های متقابل عراق و کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای تاثیرات زیادی بر جای خواهد گذاشت عراق متشنج و بی ثبات تبعات امنیتی منفی بر منطقه خواهد داشت به صورتی که می‌تواند منطقه را به سمت بی ثباتی و بحران سوق دهد بر این اساس می‌توان به دو گروه عوامل داخلی و خارجی که بیشتر شامل مسائل سیاسی و ژئوپولیتیک هستند در بی ثباتی عراق اشاره کرد که پیامدهای آن بیشتر دامن کشورهای حاشیه‌ی نزدیک عراق را می‌گیرد از جمله این پیامدها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

هرگونه برخورد دولت شیعی و شیعیان این کشور با اهل تسنن، با توجه به شرایط کلی منطقه و دسیسه‌های سعودی و ترک برای شعله و در ساختن درگیری‌های فرقه‌ای، ممکن است جنبه‌ی منطقه‌ای به خود بگیرد و هر شکل از درگیری و اختلاف شیعه-سنی در منطقه، با توجه به محصور بودن ایران بین کشورهای سنی، می‌تواند انزوای ایران در خاورمیانه را به دنبال داشته باشد. دوم اینکه اگر اسد در سوریه، حزب ا... در لبنان و دولت شیعی در عراق اهرم‌ها و بازوان سیاست‌های منطقه‌ای ایران در نظر گرفته شوند، شرایط سوریه و مشکلات حزب ا...، با توجه به نفوذ سلفی‌ها و عوامل سعودی در لبنان و تنش‌های پیش آمده در این کشور، تا حدودی ایران را در وضعیت دشواری قرار داده است که شرایط ذکر شده‌ی عراق، و تضعیف مالکی در این کشور می‌تواند باعث تشدید دشواری‌های فوق شود. لذا نتیجه‌ی هردو مورد برای ایران یکسان و عبارت از کاهش توان نقش آفرینی منطقه‌ای و تضعیف نفوذ در منطقه است. از سوی دیگر اگر تجزیه‌ی عراق به عنوان یکی از سناریوهای محتمل اما دور در نظر گرفته شود، تشکیل کردستان مستقل با توجه به وجود قومیت کرد در ایران، این پتانسل را دارد که مشکلات امنیتی حادی را برای ایران به وجود آورد.

همه موارد مذکور بیانگر این است که یکی از مهمترین عوامل تهدید زای منطقه تجزیه عراق می‌باشد روند احتمالی تجزیه عراق و تشکیل سه کشور کرد، سنی و شیعه نتیجه این بی‌ثباتی می‌باشد که پیامدان در صحنه منطقه تجدید نقشه خاورمیانه است و به عبارتی تحولات اخیر عراق گویای این واقعیت است که مسئله عراق تنها مسئله‌ای داخلی نیست و مسئله‌ای منطقه‌ای و بین‌المللی است. این تحقیق در پی آن است که تأثیرات منطقه‌ای تجزیه عراق را مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار دهد و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی آن را تبیین نماید.

تحقیق حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و از جهت نوع تحقیق نیز بنیادی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق عمدتاً متکی بر روش کتابخانه‌ای است. در این پژوهش باتوجه به روش کتابخانه‌ای در پی پاسخ به سؤال تحقیق هستیم.

مباحث نظری تحقیق

- نظریه بازیها

در ریاضیات، دانشی که به مطالعه بازی‌ها می‌پردازد نظریه بازی‌ها نام دارد. یک بازی شامل مجموعه‌ای از بازیکنان، مجموعه‌ای از حرکت‌ها یا استراتژی و نتیجه مشخصی برای هر ترکیب از راه‌بردها می‌باشد. پیروزی در هر بازی تنها تابع یاری شانس نیست بلکه اصول و قوانین ویژه خود را دارد و هر بازیکن در طی بازی سعی می‌کند با به کارگیری آن اصول خود را به برد نزدیک کند. نظریه بازی در واقع شاخه‌ای از ریاضیات کاربردی است که در سیاست، علوم اجتماعی، اقتصاد، زیست‌شناسی، علوم کامپیوتر و حتی فلسفه کاربرد دارد. رقابت دو کشور برای دستیابی به انرژی هسته‌ای، سازوکار حاکم بر روابط بین دو کشور در حل یک مناقشه بین‌المللی، رقابت دو شرکت تجاری در بازار بورس کالا نمونه‌هایی از بازی‌ها هستند. نظریه بازی تلاش می‌کند تا رفتار ریاضی حاکم بر یک موقعیت استراتژیک (تضاد منافع) را مدل‌سازی کند. این موقعیت زمانی پدید می‌آید که موفقیت یک فرد وابسته به راه‌بردهایی است که دیگران انتخاب می‌کنند. هدف نهایی این دانش یافتن راه‌برد بهینه برای بازیکنان است.

- متقارن-نامتقارن

بازی متقارن بازی است که نتیجه و سود حاصل از یک راه‌برد تنها به این وابسته است که چه راه‌بردهای دیگری در بازی پیش گرفته شود؛ و از این که کدام بازیکن این راه‌برد را در پیش گرفته است مستقل است. به عبارت دیگر اگر مشخصات بازیکنان بدون تغییر در سود حاصل از به کارگیری راه‌بردها بتواند تغییر کند، این بازی متقارن است. بسیاری از بازی‌هایی که در یک جدول ۲*۲ قابل نمایش هستند، اصولاً متقارن‌اند. بازی‌های نامتقارن اغلب بازی‌هایی هستند که مجموعه راه‌بردهای یکسانی برای بازیکنان در بازی وجود ندارد. البته ممکن است راه‌بردهای یکسانی برای بازیکنان موجود باشد ولی آن بازی نامتقارن باشد.

- مجموع صفر - مجموع غیر صفر

بازی‌های مجموع صفر بازی‌هایی هستند که ارزش بازی در طی بازی ثابت می‌ماند و کاهش یا افزایش پیدا نمی‌کند. در این بازی‌ها، سود یک بازیکن با زیان دیگر همراه است. به عبارت ساده‌تر یک بازی مجموع صفر یک

بازی برد-باخت مانند دوز است و به ازای هر برنده همواره یک بازنده وجود دارد. اما در بازی‌های مجموع غیر صفر (برد-برد) راهبردهایی موجود است که برای همه بازیکنان سودمند است.

- تصادفی غیر تصادفی

بازی‌های تصادفی شامل عناصر تصادفی مانند ریختن تاس یا توزیع ورق هستند و بازی‌های غیر تصادفی بازی‌هایی هستند که دارای راهبردهایی صرفاً منطقی هستند. در این مورد می‌توان شطرنج و دوز را مثال زد.

- با آگاهی کامل - بدون آگاهی کامل

بازی‌های با آگاهی کامل، بازی‌هایی هستند که تمام بازیکنان می‌توانند در هر لحظه تمام ترکیب بازی را در مقابل خود مشاهده کنند، مانند شطرنج. از سوی دیگر در بازی‌های بدون آگاهی کامل ظاهر و ترکیب کل بازی برای بازیکنان پوشیده‌است، مانند بازی‌هایی که با ورق انجام می‌شود (Abdoli, 2009).

- قلمرو موضوعی

ژئوپولیتیک: اصطلاح یا مفهوم ژئوپولیتیک نماینده مبحثی است در باره "مطالعه رقابت قدرت‌ها برای تسلط بر جهان (یا منطقه) با استفاده از امکاناتی که زمین (جغرافیا) در اختیار می‌گذارد. به گفته دیگر، هنگامی یک بحث به حقیقت بحث ژئوپولیتیک است که چهار رکن تکمیل‌کننده آن (رقابت، قدرت، سلطه، زمین) به صورت کاملاً تعریف شده در آن حضور داشته باشند.

امنیت: مفهوم امنیت از آغاز زندگی بشر و همزمان با شکل‌گیری جوامع انسانی کوچک و بزرگ مطرح بوده است و قبائل کوچک و امپراتوری‌های بزرگ جهان باستان مانند یونان و روم، هیچکدام با این مفهوم بیگانه نبودند. بطوریکه واقع‌گرایان بر این باورند که: اولین منطق امنیتی در روابط بین واحدهای سیاسی در زمان (دولت-شهر) بنیان‌گذارده شد. امنیت یک مفهوم چند وجهی است و به همین جهت درباره معنای آن اختلاف زیادی وجود دارد. تعاریف مندرج در فرهنگ‌های لغت درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تاکید دارند.

کدژئوپولیتیک: عبارت است از دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را ارزیابی می‌کند. کد ژئوپولیتیک به نوعی نتیجه استدلال ژئوپولیتیک عملیاتی است که شامل مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌های سیاسی-جغرافیایی مربوط به زیرساخت سیاست خارجی یک کشور است. کدهای ژئوپولیتیک هر کشور، مختص آن است و کشورها سعی می‌کنند برای رسیدن به منافع و اهداف خود بر کدهای ژئوپولیتیک دیگران تأثیر گذاشته، آن‌ها را مورد هدف قرار دهند (hafeznia, 2004: 144).

- ساختار ژئوپولیتیکی عراق

عراق دارای موقعیت جغرافیایی و سیاسی مهمی در منطقه‌ی خاورمیانه است؛ این کشور از طرف شمال به ترکیه، از غرب به سوریه و اردن، از جنوب به عربستان، از جنوب شرقی به کویت و از شرق به ایران محدود است. کل مرزهای عراق ۳۸۵۹ کیلومتر است که از این میان، ۱۵۸۹ کیلومتر با ایران مرز مشترک دارد. طول نوار ساحلی این کشور در خلیج فارس که تنها مسیر دسترسی به آب‌های آزاد است حدود ۵۸ کیلومتر است که در بعضی منابع

براساس حریم جزر و مد، نوار ساحلی عراق را میان ۲۰ تا ۴۸ کیلومتر برآورد می‌کنند که با این حساب، کشور عراق دارای موقعیتی به نسبت بری یا خشکی است دارا بودن طولانی‌ترین مرزهای کشور عراق با ایران و واقع شدن بیشتر شهرهای پرجمعیت این کشور در مشرق و در کنار مرزهای ایران از جمله نقاط ضعف ژئوپولیتیک کشور عراق است که آن را از لحاظ مسائل دفاعی و امنیتی آسیب‌پذیر می‌سازد (Khalili va digaran, 2014: 25)

کشور عراق از لحاظ ژئوپولیتیک اهمیت فراوانی دارد. موقعیت جغرافیایی، راه‌های مواصلاتی به کشورهای مهم منطقه، شبکه آب‌ها و سایر عوامل ثابت ژئوپولیتیک این کشور از اهمیت زیادی برخوردار هستند. همچنین هنگام بررسی ژئوپولیتیک عراق عوامل متغیر و به ویژه منابع انسانی و ترکیب قومیتی این کشور از اهمیت زیادی برخوردار است. افتراقات جمعیتی در عراق ریشه در نیا و اهداف انگلیس در تشکیل کشور عراق دارد که موجب بروز بحران‌ها و ناآرامی‌های زیادی در طول تاریخ معاصر این کشور گردیده است. به طوری که ماهیت سه‌گانه هویت و جمعیت در عراق با منافع و رویکردهای متفاوت و متناقض، عراق را از منظر ژئوپولیتیک به کشوری خاص تبدیل کرده است.

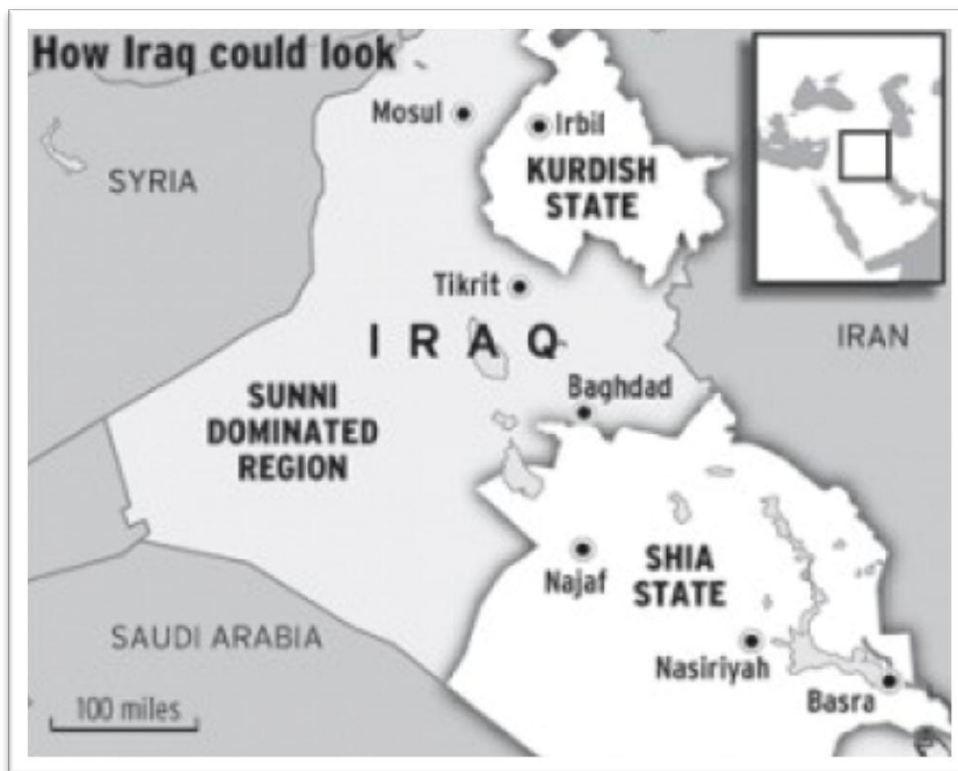
عراق برای انتقال نفت به بازارهای بین‌المللی مشکلاتی دارد. دسترسی اندک عراق به آب‌های آزاد و قرار گرفتن بنادر صادرات نفت این کشور در حاشیه مرزهای ایران و نیز مالکیت مشترک بر رودخانه اروندرود موجب شده امنیت دسترسی آزاد این کشور به نفتکش‌های انتقال‌دهنده نفت خام عراق در گرو روابط دو جانبه با ایران باشد. (tishehyar va abotalebi, 2006: 136) از سویی بخش عظیمی از ذخائر نفتی عراق در شمال این کشور و در مناطق کردنشین واقع شده است و این مسئله بر اهمیت کردها افزوده است.

عراق یکی از کشورهای مهم صادرکننده نفت و از اعضای مهم اوپک به شمار می‌رود. هزینه استخراج نفت در عراق به دلیل وجود تعداد زیادی میدان کم عمق و عظیم بسیار پائین است. همچنین امکان بهره‌برداری از چاه‌های نفت عراق با سرعت بالا وجود دارد. در عراق از هر چاه به طور متوسط ۱۳۴۸۰ بشکه نفت در روز استخراج می‌گردد (ezatti, 2003: 53). همچنان که ارقام نشان می‌دهند میزان ذخایر نفت و گاز عراق سهم مهمی در ذخایر جهانی دارند و این کشور پتانسیل لازم برای ایفای نقش‌های مهم‌تر در تأمین انرژی جهان را دارد. به همین دلیل مسئله نفت یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار ژئوپولیتیک عراق بوده است تأثیر ساختار شکننده ژئوپولیتیک بر سیاست خارجی تهاجمی عراق در دهه‌های گذشته همواره عامل نگرانی برای کشورهای همسایه آن و همچنین ثبات و امنیت منطقه‌ای بوده است. (مدل ۱) نگاهی عمیق به بحران‌های پیش‌آمده در دهه‌های اخیر، مانند سه جنگ خانمان‌سوز و روابط خصمانه عراق با کشورهای همسایه، نشان می‌دهد که تقلیل دادن عوامل این بحران‌زایی‌های مکرر به ایدئولوژی بعثی حاکم بر این کشور از دهه ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۰۳ نوعی ساده‌انگاری است و ریشه‌های بحران را باید در جاهایی دیگر بررسی کرد. وضعیت خاص ژئوپولیتیک عراق، از جمله عواملی است که در این میان می‌تواند به‌ویژه مورد توجه قرار گیرد. موقعیت ژئوپولیتیک کشور عراق، از جمله عواملی است که همواره سیاست خارجی این کشور را به شکل‌های متفاوت، متأثر ساخته است؛ البته تأثیر این عامل در کنار عواملی مانند ایدئولوژی و رهبری در مقاطع تاریخی مختلف به نوسان‌هایی دچار بوده، ولی به‌طور تقریبی همیشه به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی عراق به حساب آمده است. وجود منابع عظیم نفتی در عراق، مشکلات این کشور در دسترسی به

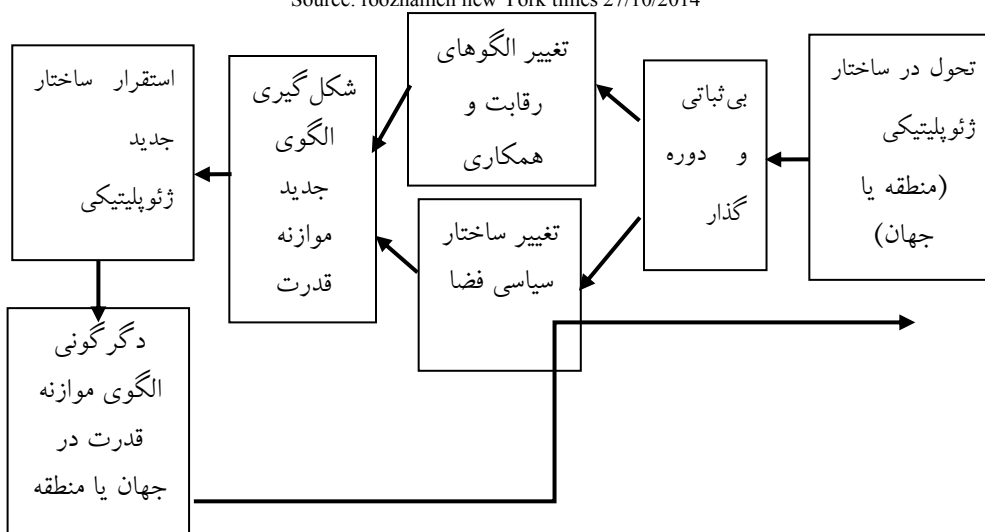
آب‌های آزاد، وجود مرزهای طبیعی و تحمیلی با همسایگان و اختلاف بر سر نحوه استفاده از رودهای مشترک، وجود اقوام و مذاهب مختلف در این کشور که زمینه‌ای مناسب برای پدیدآمدن واگرایی‌ها در داخل کشور است می‌تواند به‌عنوان ویژگی‌های ژئوپولیتیک و عوامل بروز چالش میان عراق و همسایگانش برشمرده‌شوند که سیاست خارجی این کشور را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. تاریخ معاصر عراق به‌خوبی نشانگر آن است که شرایط ویژه ژئوپولیتیک عراق، فارغ از نوع حکومتی که در این کشور بر سر کار بیاید، همواره از عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی این کشور بوده است و بررسی دقیق این ویژگی‌ها می‌تواند ما را در تحلیل آن یاری رساند (alavipour, 2010:108). به‌رحال این واقعیت را درخصوص عراق و سمت‌گیری سیاست خارجی آن نباید منکر شد که این کشور در لحظه تأسیس با مشکل ضعف ژئوپولیتیک متولد شد و تا لحظه‌ای که این مشکل تداوم یابد، امیدها برای توسعه و پیشرفت آن برمبنای صلح و تفاهم با همسایگان تا حدود زیادی رنگ‌خواهد باخت (Ibid, 119)

بنابراین سیاست خارجی عراق جدید نیز، همانند دوران پادشاهی و جمهوری، تا حدود زیادی از منابع پایدار و ثابت داخلی و جغرافیایی، متأثر است و ناسازگاری میان هویت و حاکمیت یا دولت و ملت، دشواری‌های ژئوپولیتیک، اقتصاد وابسته به نفت و هویت و ارزش‌های مشترک عربی از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های اصلی آن هستند و به‌رغم تغییر ساختار حقوقی، این عناصر و ویژگی‌ها چندان تغییری نیافته، بعید است در آینده نزدیک، دگرگون شوند (khosravi, 2011:59). می‌توان گفت سه متغیر «بقای رژیم، جلوگیری از فروپاشی جامعه و سرزمین عراق و ممانعت از مداخله خارجی»، نقشی مهم در شکل‌گیری و جهت‌دهی [سیاست خارجی عراق دارند؛ بنابراین عوامل و مؤلفه‌های جغرافیایی، همواره نقشی اساسی و مستقیم در سیاست خارجی کشور عراق به‌خصوص نسبت به همسایگان مشترک در حوزه خلیج فارس ایفا کرده‌است.

عراق از نظر اجتماعی دارای بافت موزائیکی و متشکل از گروه‌های قومی - فرقه‌ای متعدد است. به عبارتی می‌توان این کشور را مینیاتوری از خاورمیانه تلقی کرد. ماهیت سه‌گانه جمعیتی و سیاسی کشور عراق، همواره زمینه‌های بالقوه تنش و جدایی را در بردارد. تحولات اخیر و سقوط حزب بعث، نیروهای اساسی در شمال و جنوب عراق را که برای سالیان طولانی سرکوب شده بودند، آزاد کرد و فرصت مناسبی را در اختیار آنان برای کسب سهم بیشتری از قدرت و شاید استقلال از بغداد قرار داد. این مسئله باعث شده تحولات عراق با منافع و ملاحظات ج.ا. ایران پیوند بخورد. بر این اساس هرگونه موفقیت یا شکست در پیشبرد روند دولت - ملت سازی در این کشور، مستلزم توجه به تهدیدات ناشی از این تحولات است که ممکن است در آینده امنیت ملی ج.ا. ایران را با مخاطرات ویژه‌ای مواجه سازد. لذا به دنبال تحولات معطوف به تغییر ساختار و کارگزار در عراق و شکل بندی تدریجی نظام سیاسی نوظهور، روند دگرذیسی‌های محیط پیرامونی عراق تشدید شده است و تأثیرات چندگانه‌ای در همه سطوح (داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی) و حوزه‌ها (نرم و سخت) ایجاد کرده است (naghsheh shomareh 1).



نقشه ۱- موزاییک قومی و مذهبی عراق
Source: rooznameh new York times 27/10/2014



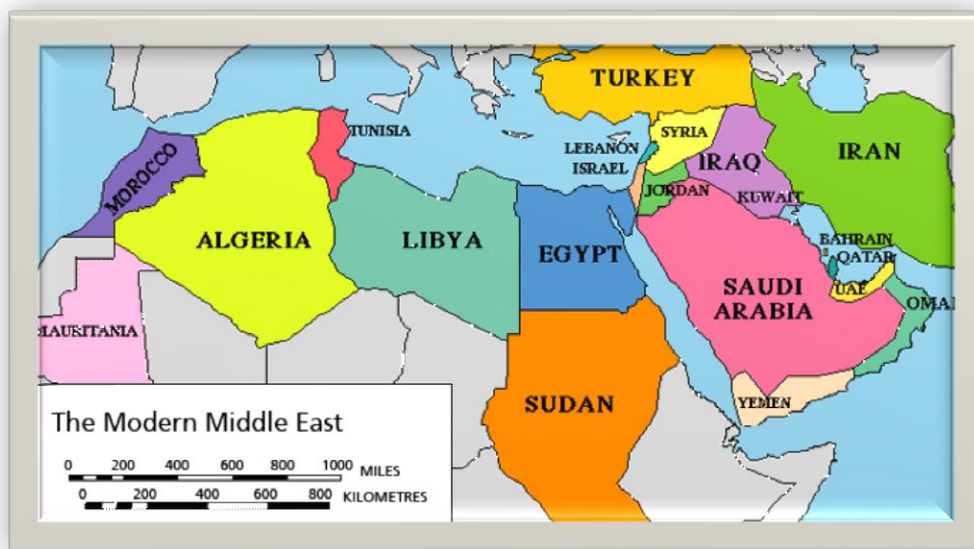
مدل ۱- مدل تحول ساختار ژئوپولیتیکی
Source: Model az Hafeznia (85) osul va mafahim geopolitic

محیط‌شناسی تحقیق: عراق و ایران

جهان انسان‌ها در چارچوب پراکندگی‌های فضایی واکنش‌های متقابل خود، از شبکه سنگفرش‌گونه‌ای شکل یافته است که نماد نمایان آن را کشورها تشکیل می‌دهند؛ هریک از کشورها با نشانه‌های نمادین خود با مرزهایی شناخته‌شده و از هم مجزا می‌شوند (heidari,2013:533). در شاخص ساختار کشورها که عوامل، تکوین و انسجام

فضا و روابط میان آنها را مشخص می‌سازد، عامل موقعیت، جایگاه استواری را به خود اختصاص می‌دهد. در نگاه ژئوپولیتیک موقعیت در میان هویت کشورها، فضاها و مکان‌ها از بنیادی‌ترین عوامل محسوب می‌شود و دیگر عوامل تحت تأثیر موقعیت قرار دارند (nami va mohammadpour,2009:1). عراق دارای موقعیت جغرافیایی و سیاسی مهمی در منطقه‌ی خاورمیانه است؛ این کشور از طرف شمال به ترکیه، از غرب به سوریه و اردن، از جنوب به عربستان، از جنوب شرقی به کویت و از شرق به ایران محدود است. کل مرزهای عراق ۳۸۵۹ کیلومتر است که از این میان، ۱۵۸۹ کیلومتر با ایران مرز مشترک دارد. طول نوار ساحلی این کشور در خلیج فارس که تنها مسیر دسترسی به آب‌های آزاد است حدود ۵۸ کیلومتر است که در بعضی منابع براساس حریم جزر و مد، نوار ساحلی عراق را میان ۲۰ تا ۴۸ کیلومتر برآورد می‌کنند که با این حساب، کشور عراق دارای موقعیتی به نسبت بری یا خشکی است (Ibid,3). دارابودن طولانی‌ترین مرزهای کشور عراق با ایران و واقع شدن بیشتر شهرهای پرجمعیت این کشور در مشرق و در کنار مرزهای ایران از جمله نقاط ضعف ژئوپولیتیک کشور عراق است که آن را از لحاظ مسائل دفاعی و امنیتی آسیب‌پذیری می‌سازد (alavipour,117).

ایران کشوری تأثیرگذار، قدرتمند و بازیگری توانمند در خاورمیانه است (ghalibaf va pourmosavi,2009:54) که با مساحتی برابر با ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع و مرزهایی به طول ۸۷۳۱ کیلومتر (hafeznia,2003:308) با مجموع ۱۵ کشور مستقل و ۲۴ دولت، همجوار است (karimipour,2001:23). از نقطه نظر طبیعی کشور ایران، دارای بستری ناامن از لحاظ جغرافیایی است به طوری که از حدود ۴۳ حادثه طبیعی در جهان، ایران به صورت بالقوه در معرض ۳۳ بلا (سیل، زلزله، گردباد، طوفان) قرار دارد. سرزمین ایران به دلیل بستر طبیعی و موقعیت جغرافیایی خود، همواره دارای شرایط ناپایدار و بی‌ثبات بوده، در معرض رویدادهای ناگوار طبیعی گوناگون قرار داشته است. به لحاظ موقعیت نسبی نیز، ایران در جایگاه فوق‌العاده استراتژیک در خاورمیانه قرار گرفته است؛ وسعت آن در خاورمیانه بعد از عربستان بی‌همتاست و دارای مرزهایی طولانی با مناطق محوری است؛ همچنین بر یکی از مهم‌ترین تنگه‌های جهان، تسلط کامل دارد و جهت‌گیری ارتفاعات آن، موقعیت دفاعی مناسبی را پدید آورده است. سطح تحصیلات بالا، همراه با تاریخ غنی، نیز به آن قدرتمندی ویژه‌ای بخشیده است؛ این ویژگی که مرهون تعامل سازنده با سایر ملت‌هاست در کنار نظامی دموکراتیک و بهره‌مند از ۱۳ درصد منابع انرژی جهان باعث شده تا در نظریه‌های اولیه ژئوپولیتیک، جایگاهی محوری یابد (ghalibaf va pourmosavi,2009:63)؛ در عین حال، کشور ایران با ۵۷ منبع تنش و مشاجره پایه‌ای با همسایگانش، (به‌طور تقریبی در قبال هر همسایه، ده منبع مشاجره فعال یا پنهان) (Ibid,137)، از تأثیرگذارترین و تأثیرپذیرترین کشورهای منطقه خاورمیانه به‌شمار می‌آید.



نقشه شماره ۲: خاورمیانه (Source: <http://www.ieu.org>)



نقشه شماره ۳: عراق و همسایگان (Source: <http://www.ieu.org>)

دستاوردهای پژوهش

تأثیر ژئوپولیتیک شکننده عراق بر امنیت ملی ایران

خلاء قدرت در عراق زمینه‌ی حضور بازیگران منطقه‌ای را در نقش آفرینی و تأثیرگذاری در فرای تحولات عراق در سال ۲۰۰۳ نمود و از سویی کارنامه تجاوزات عراق به همسایگانش باعث شد که کشورهای منطقه مایل به تشکیل یک دولت قدرتمند در عراق نباشند. همچنین رقابت‌های منطقه‌ای و تعارض منافع استراتژیک به

خصوصاً از بعد هویتی باعث رودرویی غیر مستقیم بازیگران منطقه‌ای مختلف در عراق شده است. ترس از تقویت عنصر شیعی و بنا بر تعبیر شاه اردن «تشکیل هلال شیعی» باعث انسجام کشورهای سنی مذهب در برابر گروه‌های شیعی عراق به خصوص ایران شده است. همچنین نگرانی از قدرت یافتن کردها و به خطر افتادن تمامیت ارضی عراق از علل دیگر مداخله کشورهای منطقه در عراق است.

شیعیان و کردها با حضور در ساختار جدید قدرت، رئوس هرم قدرت را براساس واقعیت جمعیتشان از آن خود کردند و به طور طبیعی سنی‌ها در حاشیه قرار گرفتند و نخبگان حاضر در قدرت سعی در باز تعریفی از هویت ملی گسترده در این سرزمین نمودند و منجر به اختلافات داخلی در عراق گردید.

پیرامون علل سیاسی شدن اختلافات میان گروه‌های ساکن در یک قلمرو جغرافیایی عواملی دخیلاند که عبارتند از: رقابت بر سر منابع به ویژه در مشاغل دولتی - استعمار داخلی - کثرت گرایی فرهنگی - انتخاب حسابگرانه و رقابت نخبگان.

ایران در تهیه و تنظیم استراتژی ملی و کلان خود تا آن جا که به محیط استراتژیک بیرونی مربوط می‌شود به ناچار باید سه واقعیت محوری را بپذیرد که عبارتند از: - تراکم تهدیدهای بیرونی - مرزهای کنترل ناپذیر - فقدان چتر حمایتی بین‌المللی زیرا این واقعیت‌ها در دراز مدت بر امنیت، وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران تأثیرات گسترده‌ای به جای می‌گذرد.

سقوط رژیم‌ها که تهدیدی برای امنیت منطقه بود، عاملی گردید برای تبدیل منطقه به انبار تسلیحات و توجیهی برای حضور بیگانگان و جایگزینی آن رژیم با دولتی جدید، که بر ترتیبات امنیتی منطقه تأثیر گذاشت. وقتی عراق در سه ساخت سیاسی - نظامی و اداری در هم کوبیده می‌شود یعنی ما با یک عراق کاملاً جدید روبرو هستیم که مسئله‌ی خیلی مهم در ساخت نظام سیاسی عراق، توزیع قدرت سیاسی در میان گروه‌های مختلف جامعه عراق است. به طوری که تحولات جدید در ساخت قدرت و سیاست عراق نقطه عطفی در شکل‌گیری ژئوپولیتیک قومی و تقویت مواضع مختلف قومی - سیاسی منطقه و تلاش آن‌ها در جهت تعریف جدید و مستقل از نقش و جایگاه خود در قدرت و حکومت منطقه ولو در چارچوب مرزهای محلی و سرزمینی کشورهای منطقه باشد (barzegar,2007:166).

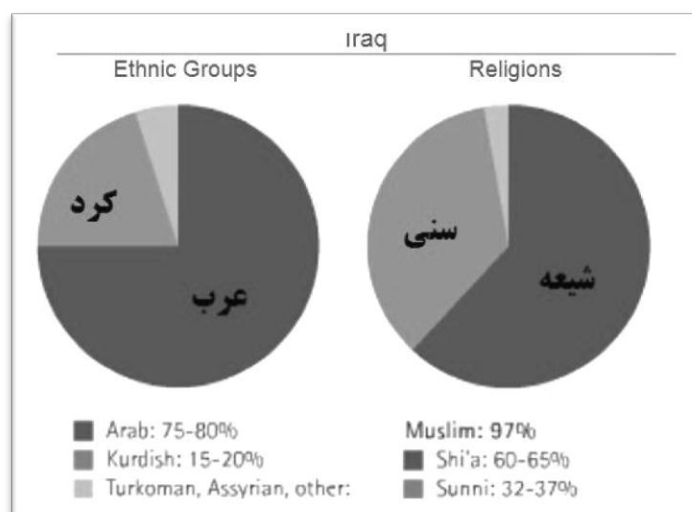
عراق با گوناگونی قومی و تنوع مذهبی، عرفی‌ترین کشور عرب به شمار می‌رود و میعادگاه اقوام و مذاهب اعم از اعراب - ترک‌ها - فارس‌ها - کردها - شیعیان و سنی‌هاست براین اساس عراق از سوی ایالات متحده به عنوان اشاعه ارزش‌های فرهنگی - تفکرات اقتصادی و ساختارهای سیاسی امریکایی در خاور میانه انتخاب گردید. از دهه‌ی ۱۹۹۰ سیاست نظام بین‌الملل در جهت مقابله با رژیم بعثی و با تعیین ممنوعیت پرواز بالای ۳۶ درجه و پایین ۳۳ درجه در شمال و جنوب، عراق عملاً به سه ایالت تقسیم شد و سیاست خارجی ایران و چالش‌های فراروی ایران با تغییر ساختار سیاسی در عراق زمینه‌های اندیشه‌ای ایجاد هویت‌های مستقل را در سرزمین‌های خود فراهم کرد.

نگرانی از گسترش ناامنی و بی‌ثباتی ناشی از بحران قومی و مذهبی یکی از چالش‌های فراروی ایران پس از تغییر ساختار در عراق برای امنیت ملی کشور است. یکی از نیروهای مهم داخلی تأثیرگذار بر روند شکل‌دهی به نظام

سیاسی جدید عراق گروه‌های قومی به ویژه کردها هستند کردها و کردستان به دلیل جایگاه جغرافیایی و موقعیت استراتژیک و ژئوپولیتیک، تاریخ گذشته‌ی آن و اوضاع اجتماعی مردم کرد و ساختار بی ثبات و شکننده و ترکیب و دموگرافیکی ناهمگون و به شدت مرکب و اوضاع جغرافیایی و نامتجانس کشورهای که کردها مهم‌ترین اقلیت درون مرزهای آن‌ها را تشکیل داده‌اند از اهمیت ویژه‌ی برخوردار هستند. کردستان عراق هم در ترتیبات جنگ سرد و نظام جهانی پس از فروپاشی عصر جنگ سرد به دلیل جایگزینی در ترتیبات سیاسی - انرژی در محور خاورمیانه قرار می‌گیرد و خود ملاحظیات سیاسی - انرژی - امنیتی و البته نظامی دارد از سوی جغرافیای طبیعی - امنیتی بر جغرافیای انسانی کردستان عراق منطبق است و این امر می‌تواند به افزایش قدرت محلی - بومی این منطقه کمک کند. تقویت موقعیت کردها در عراق چند تهدید عمده را برای ایران به همراه دارد:

افزایش نفوذ اسرائیل زیرا اغلب کردها معتقدند که مسئله‌ی فلسطین، مسئله‌ی داخلی عرب‌هاست نه کردها تشدید جریانات قومیت‌گرا و تبدیل آن به یک تهدید بالقوه ه‌ه‌رازگاهی می‌تواند خود را نشان دهد و نتیجه‌ی این امر مطالبات اقتصادی اکراد ایران به مطالبات سیاسی و در میان مدت مسئله‌ی کردها می‌تواند قومیت‌گرایی را در ایران تقویت کند. مهم‌ترین نقطه استراتژیکی میان کردها و حکومت عراق بر سر مالکیت آن حوزه‌ی نفت خیز کرکوک می‌باشد که در صورت پیوند آن با کردستان عراق، یک تهدید برای منافع ملی ایران محسوب می‌شود زیرا زمینه‌های قدرت کردها از طریق نفت افزایش می‌آید. شیعیان در نظام حکومتی عراق نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نداشتند و در حکومت اپوزیسیون محسوب می‌شدند سیاست رزیم بعث در خصوص محدود سازی شیعیان در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی مورد حمایت کشورهای عربی و قدرت‌های بین‌المللی قرار داشت لذا شیعیان قوی‌ترین آلترناتیو، با داشتن اکثریت جمعیت و یکپارچگی درونی قدرتمندترین نیروی موجود در عراق هستند و انگیزه زیادی برای سرنگونی صدام داشتند.

شیعیان عراق ایران را حامی معنوی خود می‌دانند اما آمریکا را نیز عامل به قدرت رسیدن خود می‌دانند لذا دو پایه‌ی اصلی کسب قدرت شیعیان یعنی ایران و آمریکا، مشخصاً این دو ستون به شدت با یکدیگر اختلاف ایدئولوژیکی دارند.



دولت - ملت سازی در عراق

به نظر برخی تحلیلگران، تنوع و تکثر قومی در خاورمیانه نه تنها مانع تکوین دولت ملی شده و کشورها را در معرض بی‌ثباتی داخلی و مداخله خارجی قرار داده، بلکه عامل بروز کشمکش‌ها و منازعات میان دولتی نیز بوده است (khosravi, 64). در تقسیم‌بندی قومیتی کشور عراق، ۷۵ درصد ساکنان آن عرب، ۲۰ تا ۲۵ درصد کرد و ۵ درصد باقیمانده را ترکمن‌ها، آسوری‌ها و دیگر اقوام شکل می‌دهند (alavipour, 111). وجود قومیت‌ها و مذاهب مختلف و متعارض در این کشور، خود عامل ایجاد نابسامانی‌های گوناگون در عراق و منطقه شده است. اشغال عراق توسط نیروهای چند ملیتی باعث فروپاشی دولت بعثی و ساختارهای سیاسی و نظامی و امنیتی آن شد. از زمان ایجاد کشور عراق تلاش متعدد برای دولت - ملت سازی بر اساس الگوهای مختلف انجام شد اما هیچکدام نتوانست به ایجاد کشوری منسجم و قدرتمند منجر شود. در دوره جدید الگوی مورد نظر برای دولت - ملت سازی مشارکت بر مبنای قواعد دموکراتیک و تقسیم قدرت بین گروه‌های مذهبی بوده است. تلاش در جهت تحقق این الگو در عرصه عمل با ابعاد، مؤلفه‌ها و پیامدهای همراه بوده است که به شکل‌گیری یک دولت ضعیف در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران منجر شده است. از ابعاد دولت - ملت سازی جدید در عراق می‌توان به تغییر ساختار و موازنه قدرت داخلی، فدرالیسم و دولت غیر متمرکز، منازعات قومی و فرقه‌ای و حضور و نقش آفرینی بازیگران خارجی اشاره کرد (asadi, 2008: 128). مسئله هویت‌سازی در عراق جدید از چهار بُعد قومیت، ملیت، مدنیت و دیانت قابل ارزیابی است: این چهار بعد هویتی از جهات مختلف ایفای نقش می‌کنند. اینکه کدام یک از این چهار بعد یا ترکیبی از آنها اساس هویتی عراق آینده را تشکیل خواهد داد، تا حدود زیادی بستگی به این دارد که آیا سیمای عراق آینده ترکیبی از "قومیت و دیانت" یا ترکیبی از "مدنیت و ملیت" باشد. در مجموع دو نوع نگرش در رابطه با عراق آینده وجود دارد: دیدگاه اول اعتقاد دارد اگر عراق جدید دارای سیما و هویت ملی - مدنی باشد، کاملاً متفاوت از عراقی خواهد بود که دارای هویت قومی - دینی باشد. در واقع، پیش‌بینی سرنوشت آینده عراق در تفکیک این دو نوع هویت رقم خواهد خورد. اگر این هویت ملی - مدنی باشد، بحث ملت‌سازی و دولت‌سازی به طور جدی‌تری مطرح خواهد بود، اما اگر این هویت قومیتی - دیانتی باشد، باید ادبیات و نگرش متفاوتی را در قبال آن مطرح کرد. اما دیدگاه دوم بر این نظر است که تعریف دقیقی برای هویت قومی - دینی در علم جامعه‌شناسی سیاسی کنونی وجود ندارد. در طول چند قرن اخیر، در نظام بین‌الملل، کشورها بر اساس هویت ملی - مدنی تعریف شده‌اند. مفهوم ملیت با مفهوم مدنیت ترکیب گردیده و چنین جعلی را پدید آورده است. شکل‌گیری هویت قومی - دینی در عراق آینده می‌تواند مفهوم و هویت جدیدی را در منطقه خاورمیانه ایجاد نماید. لازمه تبدیل عراق به عنوان یک دولت الگو در طرح خاورمیانه بزرگ، برقراری ثبات در عراق و موفقیت در فرآیند دولت‌سازی است که بافت حکومت طایفه‌ای به طور بالقوه می‌تواند آن را نقض نماید. در واقع، اصرار اکراد و شیعیان مبنی بر اخراج و عدم به کارگیری عناصر بعثی سنی در سیستم‌های نظامی و امنیتی جدید عراق از یک سو و مخالفت آمریکا با این امر از سوی دیگر ناشی از همین نگرش و رویکرد است. آمریکا تلاش دارد تشکیلات امنیتی قوی بعثی در عراق را احیا نماید تا از تبدیل دولت عراق به یک دولت ورشکسته در منطقه جلوگیری نماید و توازنی بین نقش ملی و منطقه‌ای آن برقرار سازد. به عبارت دیگر، وجود یک دولت (شیعی یا ترکیبی از شیعی - کردی) ضعیف در عراق، برخلاف ایده اولیه

آمریکا در تبدیل عراق به یک دولت الگو و الهام‌بخش برای دموکراسی‌سازی در کل منطقه خاورمیانه عمل نخواهد کرد و به جای توازن بخشی همسایگان، صحنه نفوذ و عملیات قدرت‌های منطقه‌ای خواهد شد. به طور کلی اگرچه عراق یک وضعیت خاصی نسبت به سایر مناطق از هائیتی گرفته تا کوزوو و افغانستان داشته و آن به سبب پیچیدگی‌های بسیار زیاد کل منطقه خاورمیانه و خلیج فارس و عراق می‌باشد. در این راستا است که ایلات متحده آمریکا در کشاکش هرج و مرج داخلی، مقاومت نیروهای شبه نظامی و شبه مردمی در برابر نیروهای ائتلاف، دخالت و حساسیت‌های عموم دولت‌های منطقه، کار سنگین دولت ملت‌سازی را از طریق شرکت گروه‌های نژادی و زبانی و ساختارهای حکومتی، تدوین قانون اساسی، تشکیل مجمع ملی، آموزش پلیس و تشکیل مجدد ارتش، برگزاری انتخابات و غیره به پیش می‌برد. بدین ترتیب کشور عراق در حال طی کردن دوره‌ای از تحولات سیاسی - امنیتی است و به رغم گذشت بیش از پنج سال، هنوز بخش عمده‌ای از مسائل ساختار سیاسی - امنیتی و اقتصادی آن کشور با ابهاماتی عمده مواجه است. با وجود تلاش‌های انجام گرفته برای بهبود شرایط امنیتی و ساماندهی ساختار سیاسی عراق، هنوز نمی‌توان از نهادینگی و تثبیت شرایط این کشور سخن گفت. در این کشور کما فی السابق، احساس تعلق به قومیت، قویتر از احساس تعلق به ملت و واحد جغرافیایی است که دولت - ملت را تشکیل می‌دهد. با وجود اینکه دولت شبه مدرن در این کشور به وجود آمده و دارای قانون اساسی مدونی است، ولی قانون اساسی که تقلیدی است از غرب، موضوع خود را نمی‌تواند در جامعه بیابد. به این مفهوم که در غرب رشد زیر ساخت با رشد رو ساخت تا حدی در توازن بوده ولی در عراق چنین چیزی و چنین پدیده‌ای را نمی‌توان پیدا کرد.

اهمیت ایران و کویت در امنیت ملی عراق

- خوزستان

استان خوزستان با مساحت ۶۴/۰۷۵ کیلومتر مربع در جنوب غربی ایران و در جوار خلیج فارس و اروندرود قرار دارد. خوزستان از شمال به استان لرستان، از شمال شرقی و شرق به استان چهار محال و بختیاری، از شمال غربی به استان ایلام، از شرق و جنوب شرقی به استان کهگیلویه و بویراحمد، از جنوب به خلیج فارس، و از غرب به کشور عراق محدود می‌شود. در این استان از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا آخرین روز جنگ تحمیلی عملیات‌های گوناگونی برای بازپس‌گیری مناطق اشغال شده‌ی ایران انجام شد. در آغاز جنگ شهرهایی چون سوسنگرد، دزفول، اندیمشک، خرمشهر، آبادان و اهواز (مرکز خوزستان) پی‌درپی هدف حملات موشکی و توپ‌خانه‌ی ارتش عراق قرار داشتند. این استان به لحاظ هویت تاریخی خود همواره مورد ادعای عراق بود. در دوران مقارن با حکومت شاهرخ میرزای تیموری حکومت‌های محلی غرب ایران تحت حاکمیت جهان‌شاه قره‌قویونلو که شیعه مذهب بود، قرار داشت و حکومت فارس و خوزستان نیز در سلطه‌ی عبدالله سلطان نوه‌ی شاهرخ میرزا بود. در این زمان که مذهب شیعه در ایران و عراق رواج داشت. فردی به نام سید محمد مشعشع در بستر مساعده‌ی شیعی خوزستان ادعای مهدویت کرد و با استفاده از احساسات مردم قیامی تدارک دید. در این اوضاع و احوال شاهرخ میرزا فوت کرد. به دنبال این رخداد، جهان‌شاه قره‌قویونلو ضمن اعلام استقلال قسمت‌های دیگر ایران را تصرف کرد ولی به دلیل اعتقاد

به مذهب شیعه در مورد منطقه ی جنوب غرب ایران و جنوب شرق عراق که یاران محمد مشعشع در آن جا نفوذ پیدا کرده بودند، چندان سخت گیری نکرد و همین امر موجب گسترش نفوذ مشعشعیان در خوزستان و جنوب شرقی عراق شد و حدود ۷۰ سال به طور مستقل در این منطقه حکومت کردند. مشعشعیان سرانجام در سال ۱۹۱۴ با حمله ی شاه اسماعیل صفوی سرنگون شدند. بر این اساس، عراق با استناد به خلأ قدرت دولت مرکزی ایران در دوران مشعشعیان و همچنین عرب نژاد بودن آنها ادعاهای توسعه طلبانه ی خود را درباره ی تجزیه ی خوزستان مطرح می کرد. موقعیت سیاسی عشیره خزلی ها، به ویژه شیخ خزعل در خوزستان دوره ی قاجار نیز در طرح چنین ادعاهایی مؤثر بود. شیخ خزعل با استفاده از نفوذ خود در دربار قاجار و همچنین دوران پر آشوب مشروطیت در ایران دامنه ی حکم رانی و نفوذ خود در خوزستان را تثبیت کرد. با پایان یافتن جنگ جهانی اول و تجزیه ی عثمانی و پدید آمدن کشورهای ترکیه، عراق، کویت و... شیخ خزعل نیز در صدد تجزیه ی خوزستان و حکم رانی بر آن برآمد که با مداخله ی ارتش رضا شاه غائله ی خزعل پایان گرفت. (hoseini,2009:34) مجموعه ی فعل و انفعالات سیاسی خوزستان زمینه یی شد تا عراق طرح ادعاهایش را درباره ی این منطقه، به ویژه پس از انقلاب ایران مطرح کند و تلاش های گسترده یی برای تجزیه ی خوزستان انجام دهد. مشکلات ناشی از انقلاب و ضعف دولت مرکزی ایران وضعیت مساعدی برای عراق فراهم کرده بود تا مطامع توسعه طلبانه ی خود را درباره ی خوزستان عملی کند. وجود اقلیت عرب خوزستان، این استان را در کانون توجه و مداخلات زمام داران عراق قرار داد، طوری که روابط گسترده ی عراق با گروهک ها و شیوخ قبایل عرب استان در استراتژی ژئوپولیتیکی این کشور جایگاه ویژه یی یافت. عراق می کوشید با القای آموزه های پان عربیسم و جذب نواحی عرب نشین موجبات جدایی خوزستان را فراهم کند. چنین اقدامی موجب شد تا زمام داران عراق در اشغال خوزستان برای همراهی و کمک اقلیت عرب استان اهمیت ویژه یی قائل شوند. به عقیده آنان این همراهی سبب می شد تا اشغال خوزستان رنگ آزادسازی به خود گیرد. از این رو، در گام اول عراق سعی در تحریف تاریخ خوزستان می کرد که در این خصوص به چاپ نقشه هایی از کشور خود اقدام کرد که خوزستان نیز با نام عربستان جزء آن بود (rashid,2010:42).

محدودیت عراق در دسترسی به آب های آزاد، گستره ی مانور این کشور را در خلیج فارس از نظر نظامی و اقتصادی محدود می کرد. تا جایی که از آغاز استقلال عراق دسترسی آسان و گسترده به آب های خلیج فارس پیوسته در زمره ی آرمان های رهبران آن کشور قرار گرفت. زمام داران دوران حکومت بعث برای رهایی از این مشکل ژئوپولیتیک همواره چند گزینه پیش روی خود داشتند که یکی از آن ها اشغال خوزستان بود. الحاق خوزستان به عراق مزیت هایی به این شرح برای این کشور داشت:

۱. تسلط بر منابع غنی نفت ایران (hoseini,2009:37).
۲. حاکمیت انحصاری بر آب های اروندرود.
۳. تسلط بر منابع مهم آبی همچون رودهای کارون، کرخه، دز، هندیجان، جراحی، مارون و بهمنشیر.
۴. استفاده از مناطق حاصل خیز و جلگه یی خوزستان.
۵. بهره گیری از کانون های اقتصادی و نفتی از جمله بندرهای آبادان، خرمشهر، ماهشهر و امام خمینی (ره).
۶. افزایش طول کرانه ی ساحلی.

۷. تسلط بر اتحادیه‌ی عرب.

۸. تغییر جایگاه عراق در ساختار نظام ژئوپولیتیک منطقه‌ی و جهانی.

۹. تحکیم مبانی فکری حزب بعث و مشروعیت آن در جهان عرب.

ویژگی‌های مذکور سبب شد نوک پیکان حملات عراق در جنگ با ایران متوجه استان خوزستان شود.

– جزایر وره و بویان در کویت

جزیره‌ی بویان در شمال شرقی کویت با حدود ۱۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت، بزرگ‌ترین جزیره‌ی کویت است. این جزیره در مدخل شط‌العرب قرار دارد و به پایگاه دریایی ام‌القصر عراق مشرف است. کم‌ترین فاصله‌ی بویان با خاک عراق تقریباً ۲۰ کیلومتر است و فاصله‌ی آن تا آبادان نیز در همین حدود می‌باشد. بویان به طور تقریبی در ۶۵ کیلومتری جنوب غربی دهانه‌ی خورموسی، ۱۹۰ کیلومتری شمال‌غربی خارک و ۲۵۰ کیلومتری شمال‌غربی بوشهر قرار دارد. بخش‌های شمال و شمال شرقی این جزیره که در مجاورت خاک عراق قرار دارد، پست و باتلاقی است. بویان را یک پل بتونی به طول ۲۵۰۰ و عرض ۱۹ متر به خاک اصلی کویت متصل کرده است؛ به طوری که کشتی‌ها می‌توانند از زیر بخشی از این پل که در قسمت جنوبی جزیره‌ی بویان احداث شده است، عبور کنند. این پل به کویت امکان می‌دهد که در صورت لزوم نیروهای خود را به داخل این جزیره منتقل کند. کویت از مدت‌ها پیش می‌کوشد با استقرار ادوات پدافندی و احداث استحکامات نظامی و حتی ساختمان‌های مسکونی و وسایل تفریحی، حضور خود را در این جزیره اثبات کند. واقع شدن جزیره‌ی بویان در امتداد جزیره‌ی مهم خارک، اهمیت استراتژیکی این جزیره را دوچندان کرده است. جزیره‌ی بسیار کوچک وره نیز در شمال جزیره‌ی بویان و در فاصله‌ی کمی کمتر از ۲۰ کیلومتر از آبادان قرار دارد و به وسیله باریکه‌ی آبی خوربویان از جزیره‌ی بویان جدا شده است. این جزیره نیز مانند بویان مشرف بر بندر ام‌القصر عراق است، بندری که در زمان عبدالکریم قاسم رئیس‌جمهور اسبق عراق تأسیس شد و در سال‌های بعد توسعه یافت (jafari valdani,2011:27).

عراق از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۹۰ به طور جدی جزایر وره و بویان را مطالبه می‌کرد. این کشور مایل بود که کویت این جزایر را یا به آن کشور واگذار کند یا به صورت ۹۹ ساله اجاره دهد. دلیل اصلی توجه عراق به این جزایر، وجود تنگنای فضایی در قلمرو آبی جنوب کشورش است. در واقع، راه‌های دسترسی عراق به خلیج فارس در احاطه‌ی آب‌های ایران و کویت قرار گرفته و دو بندر بصره و ام‌القصر تحت تأثیر این امر دچار مشکل شده‌اند. با پذیرش خط تالوگ در اروند عملاً از اهمیت بندر بصره کاسته شد، زیرا مسیر رفت و آمد کشتی‌ها در اروندرود در سمت ساحل ایران است. بندر ام‌القصر نیز در احاطه‌ی جزایر وره و بویان قرار دارد و برای دسترسی به این بندر باید از آب‌های کویت عبور کرد. دولت عراق ادعا می‌کرد به دلیل وسعت کم فاقد عمق استراتژیک است و نمی‌تواند در برابر حملات خارجی از خود دفاع کند. (Ibid,32) به همین دلیل در گذشته همیشه کویت را برای واگذاری جزایر وره و بویان به تحت فشار قرار می‌داد. (velayati,1998:42) در طول جنگ ایران و عراق نیز به دلیل انسداد اروندرود و انهدام اسکله‌های نفتی البکر و الامیه و سپس فاو، راه‌های ارتباطی عراق با خلیج فارس قطع شده و این کشور توانایی اجرای عملیات دریایی را از دست داده بود؛ از این رو عراق به روش‌های گوناگون برای تصرف یا استفاده از این جزیره اقداماتی انجام داد تا ضمن به دست آوردن قدرت مانور و اجرای عملیات دریایی به تأسیسات

حیاتی جمهوری اسلامی ایران در جزیره‌ی خارک نیز صدمه وارد کند. به طور کلی این موارد از جمله عللی هستند که تلاش عراق برای تملک جزایر مذکور را توجیه می‌کنند:

۱. باز شدن راه تنفسی عراق و خروج از انزوای محیطی با اتصال به خلیج فارس و آب‌های بین‌المللی.
۲. دستیابی به ساحل مناسب و باکیفیت برای ایجاد تأسیسات و پایانه‌های نفتی و بازرگانی.
۳. گسترش طول ساحلی مرزها در خلیج فارس.
۴. افزوده شدن بر تعداد جزایر و بندرها در حوزه‌ی اقتصادی خلیج فارس.
۵. افزایش عمق استراتژیک کشور در برابر تهدیدهای نظامی.

- کیفیت دسترسی کشور عراق به خلیج فارس

گرفتاری ژئوپولیتیک عراق در دسترسی به خلیج فارس به دلیل ساحل بسیار کوتاه، بغداد را به فکر دستاوردهای ارضی در کویت و دو جزیره وره و بوبیان انداخت؛ در واقع، بخشی از علل حمله عراق به کویت، ناشی از تلاش رهبری عراق برای رفع این گرفتاری ژئوپولیتیک بود؛ راه‌حل استراتژیک دیگری که مورد توجه هر دو کشور ایران و عراق قرار گرفت منحرف‌ساختن جریان شط‌العرب (اروند رود) بود. به دنبال بحران ۱۹۶۹ روابط دو کشور بر سر رود اروندرود، ایرانیان به مطالعه امکان منحرف‌ساختن کارون به رودخانه بهم‌شیر پرداختند تا هم این رودخانه را قابل کشتیرانی سازند و هم شط‌العرب را از جریان آب کارون محروم کرده‌باشند و به این طریق از دردسر شط‌العرب خلاصی‌یابند؛ البته این طرح، خیلی زود بایگانی شد. به‌طور کلی انجام چندین فقره عملیات نظامی عراق ضد کویت همراه با تمایل ضمنی بغداد به حاکمیت بر استان خوزستان ایران، تردیدی باقی‌نمی‌گذارد که چگونه دولت عراق تلاش دارد فضای تنفسی خود را در خلیج فارس وسیع‌تر سازد؛ بنابراین بزرگ‌ترین تنگنای جغرافیایی کشور عراق، کوتاه‌بودن سواحل آن نسبت به قلمرو سرزمینی است (mojtahedzadeh, 1995:148). این کشور، ایران و کویت را مانع دسترسی آزادانه خود به خلیج فارس می‌داند چراکه برای استفاده از بندر بصره باید از آب‌های ایران و برای استفاده از بندر ام‌القصر باید از آب‌های ساحلی کویت استفاده کند. (alavipor, 113) با توجه به این موضوع، امنیت در خلیج فارس به معنایی تبدیل‌شده که عدم ارائه راه‌حلی مناسب به دخالت هرچه بیشتر کشورهای فرامنطقه‌ای و گسیختگی پیوندهای کارآمد میان کشورهای منطقه منجر شده‌است. در مقایسه با کشور عراق، یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد ایران، همانا دارا بودن مرز طولانی در خلیج فارس و دریای عمان است که ایران را به آب‌های آزاد متصل می‌کند و به تعبیر اسپایکمن، ایران را از موقعیت بحری نیز بهره‌مند می‌نماید؛ داشتن چنین ویژگی مهمی، ایران را نسبت به دیگر کشورهای همسایه و حتی منطقه جنوب غربی آسیا به‌خصوص کشور عراق متمایز کرده‌است (golverdi, 2011:11) موقعیت خلیج فارس و دریای عمان در جنوب بهترین و مطمئن‌ترین موقع سیاسی را برای مرزهای جنوبی فراهم آورده‌است. (akhbari va nami, 2010:179) در اختیار داشتن تنگه راهبردی هرمز و بهره‌مندی از موقعیت گذرگاهی، ایران را به بهترین گلوگاه اقتصادی و انرژی جهان مسلط کرده‌است. اهمیت راهبردی تنگه هرمز جان کالینز را به اظهار نظر وادار کرده‌است: «تنگه هرمز ممکن است ما را در جنگی زود هنگام گرفتار کند. در صورت وقوع، عوامل مختلف نظیر جغرافیا، انرژی، اقتصاد و امنیت درهم می‌آمیزند و موقعیتی حساس را به وجود می‌آورند» (golverdi, 2011:12)

- کردها

همانطور که ذکر آن رفت کردستان عراق محل تلاقی امواج سیاسی فرهنگی سه حوزه قدرتمند جغرافیایی است که منطقه کردها را فرا گرفته است. نفوذ زبان فارسی و فرهنگ ایرانی، ترکی و عربی از شرق، شمال و جنوب همواره زبان و رفتار کردها را با خود درگیر کرده و متأثر ساخته است. قدرت سیاسی جذب و دفع و حتی سرکوب این سه حوزه نیز معادلات قدرت را در روابط درونی و خارجی کردها همواره تحت تأثیر قرار داده است. به عبارت دیگر، هویتی که امروزه در کردستان عراق شکل گرفته یا در حال شکل گیری است، همواره گوشه‌هایی از فرهنگ ایرانی، عرب و ترک را با خود داشته است. با این حال ایرانیت و تمایل به فرهنگ ایرانی به دلیل ریشه‌های تاریخی همواره نقشی ثابت و دامنه دار در تعریف کردها از فرهنگ داشته است. از بین کشورهای همسایه کردستان، ج.ا.ا. با مساله کردستان مشکلات کمتری داشته است، چرا که کردها اساساً خود را اریایی و مفتخر به قرابت نژادی با کردها هستند. (ahmadi,2007:79). لیکن ایران پس از جنگ دوم جهانی، تجربه‌های ناخوشایندی از مساله کردستان را در حافظه دارد و همواره از کنش‌های بیگانگان در مناطق کردنشین منطقه نگران بوده است. حجم و عمق این تأثیر ناشی از نیت متفاوت و بعضاً متعارضی است که قدرتهای خارجی پیگیری می‌کنند. (sariolghalam,1998:158). احزاب اصلی کردهای عراق با حکومت ایران (سابق و امروز) رابطه‌ای مبهم و دوگانه داشته‌اند. به حکومتها اعتماد نداشتند و در دوره‌هایی با یکدیگر دشمن می‌شدند. برای مثال، کردهای عراق در زمان قیام بارزانی در ۱۹۷۵-۱۹۷۴ به کمک ایران متکی بودند که پس از آنکه شاه از حمایت اش از کردها در آستانه توافق با صدام بر سر اختلاف در مرز مشترک اروند رود دست کشید، این وابستگی به هم خورد. دوباره در دهه ۱۹۸۰، در زمان جنگ ایران و عراق، احزاب کرد به قیام متوسل شدند تا با فرصتی رژیم عراق را برای بهتر کردن روابط خود با کردها تحت فشار قرار دهند که در نهایت صدام شورش آنها را در شمال عراق سرکوب کرد. زمانی که شانس موفقیت آنها پائین آمد و بر اثر مواجهه با مبارزه ضد شورش صدام و همچنین بر اثر حملات شیمیایی دچار آوارگی و نابودی بیشتر روستاها و شهرهایشان شدند و هزاران کرد به دار آویخته شدند، آنها دوباره به طرف ایران روی آوردند (CGI, see Human Right watch,2004). ایران نیز به خاطر منافع استراتژیک اش از کردها حمایت کرد - از شورشیان کرد در اواسط دهه ۱۹۷۰ پشتیبانی مالی کرد - تا از آنها به عنوان اهرم فشار علیه بغداد بر سر سازش در مورد شط العرب استفاده کند و آنها را وارد یک عملیات مشترک نظامی در منطقه حلبچه در مارس ۱۹۸۸ کرد تا از فشار عراق در جبهه جنوبی بکاهد. اکنون در عراق پس از صدام، رابطه دو گانه کردها با ایران و نیز حکومت عراق (که در آن رهبران کرد پست‌های مهم دارند) ادامه دارد. رهبران کردها بر این باورند که به وجود آمدن یک فرصت طلایی و بی‌نظیر برای بدست آوردن خود مختاری و استقلال در شمال عراق نه تنها موجب شده با مقاومت سختی از سوی بغداد مواجه شوند بلکه نگران این نیز هستند که ایران در پی سنگ اندازی بر سر راه تحقق آرمانهای کردهاست. (zibakalam va abdollahpour,2010:52) مقام‌های حزب دموکرات کردستان و حزب میهنی کردستان بارها بر ضرورت حفظ روابط خوب خود با تهران تأکید کرده‌اند و از کمک‌های ایران به کردها پس از حملات شیمیایی صدام به حلبچه در مارس ۱۹۸۸ و نیز پس از سرکوب شورش کردها در آوریل ۱۹۹۱ قدردانی کرده‌اند. یکی از مقام‌های حزب اتحادیه میهنی کردستان گفت "ما نه می‌توانیم ایران را نادیده بگیریم و نه می‌توانیم با آنها دشمنی کنیم. در گذشته زمانی که

همه علیه ما بودند آنها به ما کمک کرده‌اند. ما نمی‌خواهیم هیچ مشکلی با ایران داشته باشیم (CGI, 2 November 2004). (2004 از سوی دیگر، آن‌ها نشان دادند که نیت خوب ایران نسبت به کردها را درک کرده‌اند که بر اساس انتظاری است مبنی بر اینکه کردهای عراق برای استقلال خود فشار نیاورند و همتایان کرد خود در ایران را برای فشار جهت استقلال بیشتر تحریک نکنند. CGI, (October – November, 2004). ایران در اوایل دهه ۱۹۹۰ بخشی از متحد تاکتیک با سوریه و ترکیه بود تا وجود کردهای حامی ایالات متحده در شمال عراق را مهار کنند و روابط نزدیک کردها با آمریکا را بر هم بزنند. ایران در عین حفظ منافع استراتژیکی‌اش در شمال عراق به کردها خاطرنشان می‌سازد که از چه چیز می‌توانند دفاع کنند و در این راه از اهرم‌های زیادی استفاده کرده است. از یک طرف روابط اقتصادی خود را با کردها گسترش می‌دهد و از سوی دیگر عملیات اطلاعاتی خود را به اجرا درآورده و به شکلی از شورشیان اسلام‌گرا همچون انصارالاسلام حمایت می‌کند. باری ایران، همسو با کشورهای همسایه، مواضع غیر دوستانه‌ای را با کردهای عراق اتخاذ نموده به طوری که می‌توان به اظهارات سفیر ایران در ترکیه در آوریل ۲۰۰۶ در خصوص هشدار نسبت به تشکیل کردستان بزرگ اشاره نمود (BBC, 28 Feb., 2006). تجارت مرزی از زمان سقوط رژیم بعث رونق گرفته است و سرمایه‌گذاری‌های ایرانیان در شمال عراق در حال گسترش است به ویژه در منطقه سلیمانیه، گفته می‌شود قراردادهای در ساخت و ارتباطات با شرکت‌های خصوصی ایران منعقد می‌شود به طوری که منطقه آزاد کیش با کردستان عراق جهت مبادلات دو جانبه یک تفاهمنامه همکاری امضاء کرده است. کردهای عراق همچنین به واردات گاز ایران وابسته‌اند (sabri, 10 may, 2002). در پایان باید اشاره نمود، ایران به شدت از روابط کردها و اسرائیل نگران است، زیرا می‌داند که روابط قوی میان کردها و اسرائیل، بر منافع آن در منطقه و حتی جهان به شدت تأثیر می‌گذارد.

- هیدروپولیتیک

استفاده از منابع آبی در بسیاری از کشورهای خاورمیانه به دلایل متعدد، مانند متکی بودن به حوضه آبی خارج از مرزهای سیاسی، شیوه‌های بهره‌برداری سنتی و نادرست، اجرای پروژه‌های متعدد آبرسانی و انتقال آب، افزایش سریع جمعیت به‌خصوص جمعیت شهری، تلاش برای تأمین نیروی هیدروالکتریک و... به مسئله‌های سیاسی و استراتژیک مبدل شده است، چون عراق هیچ رودخانه‌ای ندارد که از داخل آن کشور سرچشمه گرفته باشد و رودخانه‌هایی که به عراق وارد می‌شوند، از ایران و ترکیه سرچشمه گرفته‌اند (jafarivaldani, 2011: 65) این مسئله در سیاست خارجی و مناسبات دو کشور عراق و ایران نیز، حساسیتی درخور توجه دارد؛ چراکه اغلب رودخانه‌های جاری در عراق از کشورهای همسایه سرچشمه گرفته‌اند و به‌نوعی عراق را در گروگان خود قرارداده‌اند؛ بنابراین در مواقع ضروری می‌توانند اهرم فشارهای لازم را بر عراق وارد کنند. رودخانه‌های آوارچای، لاین‌چای، بانه‌چای، همچنین رودهای چومان و شیخان که شاخه‌های اصلی زاب کوچک‌اند، نیز قزل‌سو و رودخانه‌های آب‌شمشیر، لبله، زمکان، آب زرشک، هواسان، الوند، قوره‌پور، دیره، تنگاب، چم امام حسن، کنگاگوش، کانی‌شیخ، سده، تلخ‌آب، گذارخوش، چم سرخ، کنجان‌چم، گاوی، چنگوله، میمه و دویرج، از خاک ایران سرچشمه می‌گیرند و به خاک عراق

وارد می‌شوند. برداشت‌های کلان‌مقیاس ایران از آب رودخانه‌های وارده به عراق، می‌تواند موضوع مناقشه‌های نوینی باشد که حتی منابع قدیمی مشاجره را تحت‌الشعاع خود قرار دهد (name va mohammadpour,2009:334).

افزایش مصرف آب در عراق و عدم‌استفاده‌ی بهینه از آن، موجب بروز اختلاف‌های میان این کشور و ایران شده است. دولت عراق به‌تازگی ادعا کرده‌است که ایران با انجام برخی اقدام‌ها روی رودخانه‌های مرزی، موجب کاهش میزان آب ورودی به عراق شده‌است. معاون وزارت امور خارجه ایران، ضمن رد این ادعا آمادگی ایران را برای انجام مذاکرات فنی در خصوص تقسیم فنی آب رودخانه‌های مرزی با عراق و سهم دو کشور اعلام کرده‌است. وی با اشاره به توافق ایران و عراق در مارس ۲۰۰۸ برای حل همه مشکلات میان دو کشور براساس معاهده ۱۹۷۵ افزوده که در موافقت‌نامه تقسیم آب رودخانه‌ها منعقد در سال ۱۹۷۵، میزان سهم هریک از دو کشور مشخص نیست و کمیسیونی متشکل از کارشناسان دو دولت در حال تعیین سهم هریک از دو طرف هستند (jafarivaldani,2011:66).

کردها نیز که جایگاهی ویژه در دولت مرکزی عراق دارند، از قرارداد ۱۹۷۵ بیش از هر چیز، خواهان اجرای موافقت‌نامه استفاده از آب رودخانه‌های مرزی آن هستند؛ زیرا آب سدهای دربندیخان و دوکان در منطقه کردستان عراق از کوه‌های کردستان ایران سرچشمه‌می‌گیرند و در سال‌های اخیر در ملاقات با مسئولان کشور ایران، به‌کرات این خواسته را تکرار کرده‌اند؛ بنابراین مسئولان مذاکره‌کننده کشور باید به این موضوع عنایت داشته‌باشند که به طرف عراقی پاسخ‌دهند که قرارداد مزبور براساس نص صریح آن به‌هم‌پیوسته، جامع و یکپارچه است و لازم است همه بندهای آن هم‌زمان به‌اجرا درآیند تا بی‌جهت به طرف مقابل، امتیازی داده نشود (sajaadpour va amirimoghaddam,2010:34).

دنبال‌کردن طرح‌هایی مانند سد دوستی در گوشه شمال شرقی ایران در مرز مشترک ایران و ترکمنستان، در طول مرزهای غربی ایران در هم‌جواری با حکومت حریم کردستان، موجب همکاری بیشتر، رواج توسعه در دوسوی مرز و باعث رشد احساس ایران‌دوستی در میان شهروندان کرد در آن سوی مرز می‌شود و از طرفی از هدررفتن آب‌های رودخانه‌های دایمی و فصلی جلوگیری می‌کند؛ درعوض به‌نظر می‌رسد اگر کشور ایران به سیاستی مشابه سیاست افغانستان در خصوص هیرمند و ساخت کمال‌خان و احتکار حق‌آبه ایران، روی بیاورد، با توجه به پیوستگی قومی و عاطفی مردم دو طرف مرز اعمال نظارت حکومت مرکزی در غرب کشور با چالش مواجه شده، موجب همگرایی بیشتر کردها بدون توجه به نقش حکومت مرکزی می‌شود؛ این سیاست از طرف حکومت حریم کردستان، خصمانه قلمداد شده، موجب بروز بحران ژئوپولیتیک دیگری در منطقه می‌شود؛ از بازتاب‌های این بحران ژئوپولیتیک، رخت‌برستن توسعه، کاهش تولید محصولات کشاورزی و نارضایتی کردهای دو طرف مرز و تشدید احساس همگرایی در میان آنهاست.

به‌طور کلی، حدود ۳۶ رودخانه‌ی مرزی در غرب ایران وجود دارند که به سمت کشور عراق سرازیر می‌شوند. چگونگی بهره‌برداری مشترک از آب رودخانه‌هایی که در غرب کشور وجود دارند می‌تواند هم به‌عنوان عنصری برای ایجاد دشمنی و هم به‌عنوان ابزاری در جهت گسترش روابط میان دو کشور ایران و عراق مورد بهره‌برداری قرارگیرد و در صورت نرسیدن این دو کشور به تفاهم در خصوص چگونگی بهره‌برداری مشترک از این رودخانه‌ها، در آینده مشکلاتی در روابط میان آنها پدید خواهد آمد.

نتیجه گیری

عراق از نظر ژئوپولیتیک، مهم‌ترین همسایه ایران است. عراق دارای موقعیت جغرافیایی و سیاسی مهمی در منطقه‌ی خاورمیانه است؛ این کشور از طرف شمال به ترکیه، از غرب به سوریه و اردن، از جنوب به عربستان، از جنوب شرقی به کویت و از شرق به ایران محدود است. کل مرزهای عراق ۳۸۵۹ کیلومتر است که از این میان، ۱۵۸۹ کیلومتر با ایران مرز مشترک دارد. طول نوار ساحلی این کشور در خلیج فارس که تنها مسیر دسترسی به آب‌های آزاد است حدود ۵۸ کیلومتر است که در بعضی منابع براساس حریم جزر و مد، نوار ساحلی عراق را میان ۲۰ تا ۴۸ کیلومتر برآورد می‌کند که با این حساب، کشور عراق دارای موقعیتی به نسبت بری یا خشکی است دارا بودن طولانی‌ترین مرزهای کشور عراق با ایران و واقع شدن بیشتر شهرهای پرجمعیت این کشور در مشرق و در کنار مرزهای ایران از جمله نقاط ضعف ژئوپولیتیک کشور عراق است که آن را از لحاظ مسائل دفاعی و امنیتی آسیب‌پذیر می‌سازد.

این در حالی است که دو قوم مهم کرد و عرب هر دو کشور نیز هم‌مرز هستند. کردستان عراق محل تلاقی امواج سیاسی فرهنگی سه حوزه قدرتمند جغرافیایی است که منطقه کردها را فرا گرفته است. نفوذ زبان فارسی و فرهنگ ایرانی، ترکی و عربی از شرق، شمال و جنوب همواره زبان و رفتار کردها را با خود درگیر کرده و متأثر ساخته است. قدرت سیاسی جذب و دفع و حتی سرکوب این سه حوزه نیز معادلات قدرت را در روابط درونی و خارجی کردها همواره تحت تأثیر قرار داده است. به عبارت دیگر، هویتی که امروزه در کردستان عراق شکل گرفته یا در حال شکل‌گیری است، همواره گوشه‌هایی از فرهنگ ایرانی، عرب و ترک را با خود داشته است. با این حال ایرانیت و تمایل به فرهنگ ایرانی به دلیل ریشه‌های تاریخی همواره نقشی ثابت و دامنه دار در تعریف کردها از فرهنگ داشته است. افتراقات جمعیتی در عراق ریشه در نیت و اهداف انگلیس در تشکیل کشور عراق دارد که موجب بروز بحران‌ها و ناآرامی‌های زیادی در طول تاریخ معاصر این کشور گردیده است. به طوری که ماهیت سه گانه هویت و جمعیت در عراق با منافع و رویکردهای متفاوت و متناقض، عراق را از منظر ژئوپولیتیکی به کشوری خاص تبدیل کرده است. مسئله هویت‌سازی در عراق جدید از چهار بُعد قومیت، ملیت، مدنیت و دیانت قابل ارزیابی است: این چهار بعد هویتی از جهات مختلف ایفای نقش می‌کنند. اینکه کدام یک از این چهار بعد یا ترکیبی از آنها اساس هویتی عراق آینده را تشکیل خواهد داد، تا حدود زیادی بستگی به این دارد که آیا سیمای عراق آینده ترکیبی از "قومیت و دیانت" یا ترکیبی از "مدنیت و ملیت" باشد.

عراق برای انتقال نفت به بازارهای بین‌المللی مشکلاتی دارد. دسترسی اندک عراق به آب‌های آزاد و قرار گرفتن بنادر صادرات نفت این کشور در حاشیه مرزهای ایران و نیز مالکیت مشترک بر رودخانه اروندرود موجب شده امنیت دسترسی آزاد این کشور به نفتکش‌های انتقال‌دهنده نفت خام عراق در گرو روابط دو جانبه با ایران باشد. از سویی بخش عظیمی از ذخائر نفتی عراق در شمال این کشور و در مناطق کردنشین واقع شده است و این مسئله بر اهمیت کردها افزوده است.

محدودیت عراق در دسترسی به آب‌های آزاد، موضع فرودست در مباحث هیدروپولیتیک، ماهیت تحمیلی مرز در کشورهای خاورمیانه، بیشترین جمعیت و شیعه، مسائل مربوط به قوم کرد و عرب، بحث‌های الحاق‌گرایی از مسائلی است که بر سیاست خارجی دو کشور ایران و عراق سایه افکنده است.

عراق همواره در سیاست خارجی ایران جایگاهی خاص داشته است. طی نیم قرن گذشته نگاه ایران و عراق به یکدیگر، نگاهی امنیتی بوده است. در وضعیت جدید با وارد شدن عناصری تازه در حوزه سیاسی عراق، جایگاه این کشور در سیاست خارجی ایران اهمیت بیشتری یافته است. در واقع، گرایش‌ها از تخاصم و تضاد به سمت همکاری و همگرایی رفته است. کشور عراق از لحاظ ژئوپولیتیک اهمیت فراوانی دارد. موقعیت جغرافیایی، راه‌های مواصلاتی به کشورهای مهم منطقه، شبکه آب‌ها و سایر عوامل ثابت ژئوپولیتیک این کشور از اهمیت زیادی برخوردار هستند. همچنین هنگام بررسی ژئوپولیتیک عراق عوامل متغیر و به ویژه منابع انسانی و ترکیب قومیتی این کشور از اهمیت زیادی برخوردار است. در مجموع ایران در تنظیم رویکرد بهینه خود در سیاست خارجی پویا، با دیدگاهی واقع‌گرایانه در عرصه‌ی تحولات عراق گام بردارد.

بی تردید ورود پرننگ عنصر شیعه در ساخت قدرت و سیاست عراق، زمینه‌های ظرفیت‌سازی در روابط ایران و عراق را افزایش داده است. برای اولین بار با ورود عنصر شیعه، روابط دو کشور فراتر از روابط دو دولت با تمرکز بر ابعاد سیاسی امنیتی، در چارچوب روابط دو ملت بر مبنای اتصالات فرهنگی تعریف شده است. این امر نفوذ طبیعی و فرهنگی ایران را در عراق که به طور بالقوه همواره وجود داشته است، بالفعل کرده و مبنای مهمی برای فرصت‌سازی در حوزه منافع ملی جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده است.

تعامل با تمام گروه‌های فرهنگی قومی جامعه عراق، اعم از شیعیان، کردها و سنی‌ها برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت فراوانی دارد. ایجاد تعادل در نوع روابط با گروه‌ها، به اندازه‌ای مهم است که موجب نارضایتی سایر گروه‌های فرهنگی نشود؛ البته کاملاً طبیعی است که به دلیل سابقه اتصالات فرهنگی و سیاسی با شیعیان عراق و پتانسیل جمعیتی و نفوذ سیاسی و اجتماعی غالب گروه‌های شیعی، اولویت نگاه جمهوری اسلامی ایران باید بر اساس تعامل بیشتر با شیعیان، در راستای تقویت حکومتی شیعی محور باشد. در شرایط جدید، با تغییر ساخت قدرت و سیاست در عراق و قرار گرفتن اکثریت شیعه در رأس حکومت عراق، زمینه‌های فرصت‌سازی جدیدی برای سیاست خارجی ایران در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم شده است. زیرا توجه به این واقعیات که دوران گذار، دوران دگرگونی‌هاست و پروسه‌ی جهانی شدن فشرده‌ی زمان و مکان را مطرح می‌سازد و با این ویژگی که از میان برداشتن مرزها مشخصه‌ی جغرافیاست، ایران دیدگاه مبتنی بر برداشت فرصت و افزایش حضور در منطقه را براساس تعامل سازنده و دیدگاه سازنده‌ی گرای بر مبنای استراتژی اشتراک و مشارکت اتخاذ نماید تا به اهداف برنامه ریزی شده‌ی خود در سند چشم‌انداز دست یابد. تعامل‌گرایی ایران می‌تواند نمادهایی از همکاری منطقه‌ای با بازیگران بین‌المللی را به وجود آورد.

References

- Abdollahpour, mohammadreza va zibakalam, Sadegh (2010), hamgeraee kordha va shiayan va tasire an bar siasat gozarihayeh amniati j.a.a Iran dar aragh, faslnameye siasat, daneshkadaye hoghogh va olume siasie daneshgahe Tehran. [In Persian]
- Abdoli, (2008), nazariye baziha, Tehran, entesharte samt. [In Persian]

- Alavipour, Seid Mohsen (2010). "geopolitic aragh va amniat dar mantagheye khalije fars ". motaleate khavarmianeh, sale shanzdahom, shomare 2. [In Persian]
- Asadi, Bijan (2008), khalijefars va masaele an, Tehran: entesharte samt. [In Persian]
- Barzegar, Keihan (2007), Iran, araghe jaded va nezame siasi - amniati khalije fars, Tehran: daftare gostareshe tolid elme moavenate pajoheshe daneshgah azad eslami. [In Persian]
- Ezzati, Ezzatollah, (2003), tahlili bar geopolitic iran va Aragh, Tehran, daftare motaleate siasi va beinolmelali vezarate omure khareje, safheye 422. [In Persian]
- Golverdi, isa, (2011), "marzha, asibha va karkerdha", barnameye siasat gozari siasi defai va amniati, sale aval, shomareye 2, zemestan. [In Persian]
- Ghalibaf, Mohammadbagher va seid musa pourmosavi, (2009), geopolitic novin khavarmianeh va siasate khareji Iran, pajuheshahye goghrafiaee, shomareye 66. [In Persian]
- Hafeznia, Mohammadreza (2003); goghrafie siasie iran. Tehran: samt. [In Persian]
- Hoseini, Hosein (2009), Barresi elale voghoe jange Iran va aragh, majmoeye maghalate tajzieh va tahlile jange Iran va Aragh: rishehaye tahajom, Tehran: entesharate markaze motaleat va tahghighat jange sepahe pasdaran enghelabe eslami. [In Persian]
- Jafari valdani, Asghar, (2011), naghshhe tangnahaye geopolitici aragh dar eshghale aragh, mahale nashr: nasher. [In Persian]
- Karimipour, Yadollah, (2001), moghadamei bar Iran va hamsayegan (manabe tanesh va tahdid), Tehran: daneshgahe tarbiat moalem. [In Persian]
- Khalili, Mohsen (2014), "bonmaye degargun shavandeh jenom geopolitic dar khavaremianeh arabi", majmoeeye maghalate hamayesh islam va tahavolate khavaremianeh, Tehran: sevome esfand. [In Persian]
- Khosravi, Gholamreza (2011), "moalefeh haye dakheli paydar va moaser bar siasat khareji araghe jadid ". motaleate rahbord, sale sizdahom, shomare 1, bahar. [In Persian]
- Mojtahedzadeh, Pirouz, (1995), keshvarha va marzha dar mantagheye geopolitic khalije fars, tarjomeye hamidreza Malek Mohammad Nouri, Tehran: daftare motaleate siasi va beinolmelali. [In Persian]
- Nami, Mohammad Hasan va Ali Mohammadpour (2009), goghrafiyaye keshvare aragh ba takid bar masaele geopolitic, Tehran: sazman goghrafiaee nirohaye mosalah. [In Persian]
- Rashid, Gholamali (2010), tasire avamele geopolitic dar rahbordhaye defaie iran dar barabare Aragh, Tehran: entesharate markaze asnad va tahghighate defae moghadad sepahe pasdaran enghelabe eslami. [In Persian]
- Rooznameye Jame Jam, (24/6/2017). [In Persian]
- Rooznameye New York Times (27/10/2014).
- Saberi, Roxana: Iraqi Kurds split between Iran's & us, New agency irna, www.irna.ir, 30 April 2007) 8-
- Sajjadpour, Seid Mohammadkazem; Reza Amirimoghadam (2009), "naghshhe sazokarhaye hoghoghi dar halo fasle monazeate geopolitic, motaleeye moredi: ahdnameye marzihasan hamjavari 1975 aljazyer" geopolitic, sale panjom, shomareye 2, paez. [In Persian]
- Sariolghalam, Mahmoud (1998), nezame beinolmelalva masalye sahraye arabi, Tehran, entasharate daftare motaleate siasi va beinolmelali. [In Persian]
- Tishehyar, Mandana; va abotalebi (2006) siasate khareji aragh: barresi naghshhe geopolitic aragh dar ravabet ba hamsayegan, Tehran: molefan. [In Persian]
- Velayati, Aliakbar (1998), tarikhe siasie jange tahmili aragh alayhe jomhorie eslamie Iran, [Tehran]: entesharate daftare nashre farhange eslami. [In Persian]
- BBC. (4 April, 28 Feb. 2006). Www.bbc.co.uk /Persian /news/story/2006
- Crisis Group Interview, October - November 2004
- Crisis Group Interview, Baghdad, 6 October 2004
- www.ieu.org